

محرم الحرام ۱۴۳۵
مصلی بزرگ اصفهان

رسول اکرم صلی الله علیه و آله :

أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدَّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ

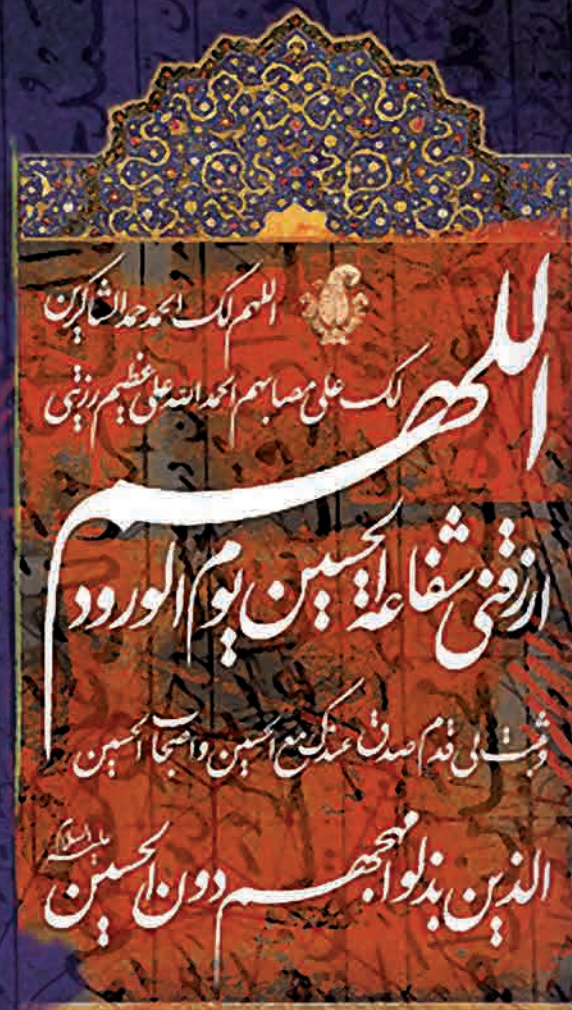
عاقل ترین مردم کسی است که بیشتر با مردم مدارا کند... (من لایحضره الفقیه ج ۴، ص ۳۶۵)

سبک زندگی شما چگونه است؟

شماره چهارم: فرهنگ عمومی و مدارا با مردم

هر شب یک جزوه و در جزوه آخر یک سوال از هر شماره مطرح و جوایز ارزنده ای اهداء می گردد.

هیئت شیفتگان حسینیه
کارکنان شرکت فولاد مبارکه اصفهان



سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی





مقدمه:

مدارا و تحمل همدیگر و احترام به حقوق دیگران و داشتن یک زندگی مسالمت آمیز در این دور و زمانه بسیار کاهش یافته است؛ این خصلت یکی از اصول زندگی اجتماعی محسوب شده و رعایت آن برای آرامش عمومی جامعه ضروری به نظر می رسد؛ این است که در متون دینی سفارش زیادی بر مدارا کردن همدیگر شده است. همان گونه که آدمی دوست دارد دیگران به حق او تجاوز نکنند و احساس اش را نادیده نگیرند، خود نیز به حکم وجدان و انسان بودن، وظیفه دارد تا حقوق همه ی انسان ها را محترم شمارد. اگر خدای ناکرده تصمیم گرفتید نسبت به حق کسی بی توجهی کنید، شایسته است پیش از اجرای این تصمیم، خود را به جای او قرار دهید و ببینید که آیا اگر او چنین تصمیمی را درباره ی شما گرفته بود، ناراحت نمی شدید؟ به هر حال، بنا بر فرمایش رسول گرامی اسلام، انسان باید به فکر آسایش و آرامش هم نوعان خود باشد. ایشان می فرمایند:

أَحِبُّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ ۱

«آن چه را برای مردم می خواهی، برای خود نیز بخواه.»

اکنون با ضرورت و آثار مدارا کردن آشنا شدیم ،

مدارا کردن یعنی چه ؟ چه رفتاری با دیگران باید داشته باشیم؟

نکته مهمی که در امر مدارا باید توجه کرد ، این که به بهانه مدارا نباید نسبت به انجام وظایف خود کوتاهی کنیم ؛ بنابراین در اصل ادای وظایف چیزی به نام مدارا وجود ندارد ؛ ولی در راهکار و کیفیت ادای وظیفه ،مدارا یک اصل انکار ناپذیر است که برای رسیدن به هدف ، رعایت آن ضروری است . مثلاً اگر همسرمان حجاب را رعایت نمی کند نمی توانیم به عنوان مدارا او را آزاد بگذاریم، بلکه از روشی نرم او را هدایت کنیم . همرنگی با جماعت ،پایبندی به بعضی از سنت ها و حفظ موقعیت به هر قیمت ، هرگز نمی توان به بهانه مدارا کردن نافرمانی حق نمود .به طور کلی هر جا مدارا باعث ارتکاب گناه مدارا کننده شود ،مدارا مطلوب نیست .

به عبارت دیگر مدارا کردن رفتاری است که موجب جلوگیری از درگیری های بی فایده وموجب پیوند بیشتر با دیگران می باشد .

مدارا کردن شامل رفتار های زیر می شود :

۱. عفو و بخشش
۲. تحمل کردن رفتار بد دیگران
۳. هم مصاحبتی زیبا
۴. خوش اخلاقی
۵. نیکی کردن
۶. توقع نداشتن از دیگران



سبک مدارا و مردماری درسیره‌ی شهداء

نمونه‌ای از مدارای سید آزادگان شهید ابوترابی

در اردوگاه محل نگهداری ایشان، وی و چند تن از همزمانش به شدت مورد شکنجه قرار می‌گرفتند تا به بالاچار به اسلام و مقدسات توهین کنند. برخی از آنها زیر شکنجه جان دادند، اما توهین نکردند. بعد از تحمل چندین روز شکنجه، مرحوم ابوترابی با حالت خونین و بدن شکنجه دیده، جان به در برد و پس از این جریان قرار بود نمایندگان صلیب سرخ جهانی از اردوگاه آنان بازدید کنند، لذا به مدت کوتاهی به وضع آنها رسیدگی شد و لباس و غذای خوب به آنها داده شد. روز بازدید صلیب سرخ‌ها، برخی آزادگان از شکنجه‌های بعضی‌ها شکایت کردند، ولی وقتی نماینده صلیب سرخ از مرحوم ابوترابی سؤال کرد، ایشان در جواب گفته بود، هیچ شکایتی از اوضاع ندارد، و بالاخره باید پذیرفت که اسارت است و شکنجه کردن نیز طبیعی است. بعد از بازدید نمایندگان

صلیب سرخ، سرهنگ عراقی فرمانده اردوگاه و عامل شکنجه ایشان آمد و گفت: «چرا اعمال ما را نزد نمایندگان صلیب سرخ لو ندادید؟» مرحوم ابوترابی با ذکر آیه «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» گفته بود: «بالاخره گرچه ما و شما با هم در حال جنگ هستیم، ولی هم ما مسلمانیم و هم شما. این درست نیست که با دادن گزارش، زمینه سلطه کافران بر مسلمانان را فراهم کنیم»

با این توضیح، آن سرهنگ عراقی به شدت تحت تاثیر قرار گرفته بود و به پای محروم ابوترابی افتاده بود، لذا گفته بود اعمال ما از این پس نسبت به اسرا اصلاح می‌شود. همین مدارای مرحوم ابوترابی با فرمانده عراقی باعث شد، با یکدیگر رفیق شوند و با طرح نقشه‌های مختلفی مرحوم ابوترابی را به زندان‌های مختلفی می‌فرستاد تا قوت قلب رزمندگان باشد و در طول دوره اسارت جان هزاران اسیر را از مرگ نجات دهد و روحیه آنها را در سخت‌ترین شرایط در خط اسلام حفظ کند

سبک فرهنگ عمومی و مدارا با مردم درسیره‌ی اولیاء خدا!

هشدار آیت الله بهاء‌الدینی

یکی از ملازمین حضرت آیت الله بهاء‌الدینی (قدس سره) گوید: برخی شبها توفیق زیارت و اقتدای نماز به آقا نصیب می‌شد و از این توفیق، بسیار شادمان و خرسند بودم. یکی از روزها نزدیک مغرب، تصمیم گرفتم به حسینیه معظم له رفته، در آنجا نماز جماعت بخوانم. اول خیابان منتظر تاکسی شدم، ناگهان ماشینی از کنارم عبور کرد و مقداری آب گل آلود که در گودالی جمع شده بود، به عباي من ریخت ناراحت شدم و با عصبانیت به راننده آن گفتم: مگر چشم نداری؟ شعورت کجاست؟! او رفت و قضیه تمام شد و چندین دقیقه بعد خدمت آقا رسیدم.

پس از اقامه نماز اطراف ایشان حلقه زدیم... ایشان شروع به صحبت کردند، اما ناگهان در بین سخنان خویش فرمودند: «برای طلبه‌ای که نان امام زمان را می‌خورد زشت است که فحش بدهد، گیرم تاکسی اشتباهی کرد و لباس شما کثیف شد، باید او را جسارت کنیم؟! باید با مردم مدارا کرد!»



سبک ملایا با مردم در سیره‌ی معصومین علیهم السلام

نقل شده است که عربی بیابانی به نزد حضرت رسول صل الله علیه و آله آمد و از وی تقاضای چیزی کرد. پیامبر صل الله علیه و آله چیزی به او داد ولی راضی نشد و جسارت کرد. اصحاب به خشم آمدند و برخاستند تا با او عتاب کنند. نبی اسلام صل الله علیه و آله به آنان اشاره کرد که آرام بگیرند. سپس اعرابی را با خود به منزل برد و مقدار بیشتری به او کمک کرد. آن گاه پرسید: آیا راضی شدی؟ مرد عرب که بزرگواری حضرت را دید، گفت: آری، خدا خیرت دهد. آن گاه پیامبر به او گفت: آن چه تو در مقابل اصحاب من بر زبان رانیدی، موجب خشم و ناراحتی آن ها شد، اگر مایل باشی این احساس رضایت را در حضور آن ها نیز بگو تا ناراحتی شان برطرف شود. اعرابی پذیرفت و روز بعد چنین کرد. سپس پیامبر فرمود: مثل من و این گونه افراد مثل همان مردی است که شترش رمیده بود و فرار می کرد، مردم به خیال این که به صاحب شتر کمک بدهند فریاد کردند و به دنبال شتر دویدند. آن شتر بیشتر رم کردن و فراری تر شد. صاحب شتر، مردم را بانگ زد و گفت: کسی به شتر کاری نداشته باشد من خود بهتر می دانم که از چه راه شترم را رام کنم. او یک مشت علف برداشت و آرام آرام بدون این که فریادی بکشد، جلو آمد و مهار شتر را در دست گرفت. اگر دیروز، شما را آزاد گذاشته بودم، این عرابی را کشته بودید ولی مانع دخالت شما شدم و خود با نرمی و ملامت او را رام کردم. ۳

سبک مردم داری امام خمینی (ره) برای رهبری جامعه ۲

حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی در خاطره‌ای از روزهای مباران تهران بیان می‌دارند: در آن روزها خانواده ما هم مثل بقیه مردم عمل می‌کردند. به شیشه‌ها نوار چسب زده بودیم و کار دیگری نمی‌کردیم ... در روزهای اول جنگ از تیم مهندسی ستاد مشترک، شخصی به جماران آمد و یک محل ضد بمب برای امام درست کرد وقتی که آنجا را می‌ساختند امام گفتند: «من به آنجا نمی‌روم». ظرف چهار یا پنج ماه آن محل درست شد اتفاقی بود به شکل (L) انگلیسی و به اندازه پنج متر در چهار متر. امام تا آخر هم درون آن پناهگاه نرفتند، حتی من یک مرتبه به امام گفتم: «شما بیایید و حداقل اینجا را ببینید» امام گفتند: «از همین بیرون پیداست و از بیرون دارم می‌بینم ساختمان چیست».

باز یک روز بعد از ظهر حدود هفت الی هشت موشک به اطراف جماران اصابت کرد، من خدمت امام رفتم و عرض کردم: «اگر یک مرتبه یکی از موشک‌های ما به کاخ صدام بخورد و صدام طوری بشود ما چقدر خوشحال می‌شویم؟ اگر موشکی به نزدیکی‌های اینجا بخورد و سقف پایین بیاید و شما طوری بشوید چه؟» امام در پاسخ گفتند: «والله من بین خودم و آن سپاهی که در سه راه بیت است هیچ امتیازی و فرقی قائل نیستم والله اگر من کشته شوم یا او کشته شود، برای من فرقی نمی‌کند». گفتم ما که می‌دانیم شما اینگونه‌اید اما برای مردم فرقی می‌کند. امام فرمودند: «نه مردم باید بدانند اگر من به یک جایی بروم که بمب، پاسداران اطراف منزل مرا بکشد و مرا نکشد من دیگر به درد رهبری این مردم نخواهم خورد من زمانی می‌توانم به مردم خدمت کنم که زندگی‌ام مثل زندگی مردم باشد، اگر مردم یا پاسداران یا کسانی که در این محل هستند یک طوری‌شان بشود بگذار به بنده هم بشود تا مردم بفهمند همه در کنار هم هستیم». گفتم: «پس شما تا کی می‌خواهید اینجا بنشینید؟» به پیشانی مبارکشان اشاره کردند و فرمودند: «تا زمانی که موشک به اینجا بخورد»

دیدیم که امام بین خود و دیگران هیچ امتیازی قائل نبودند و خود را با مردم همسان می‌دیدند و حتی برای بیان مردمی بودنشان شرط شایستگی رهبری خود را خدمتگزاری خویش عنوان کرده و بین کشته شدن خویش و دیگران فرقی قائل نیستند. این در حالی است که رهبران مادی دنیا در مواقع خطر خود را چنان استتار می‌کنند که از هرگونه گزندی در امان باشند.

